

## عنوان مقاله:

تحلیل ساختاری دو حکایت از تاریخ بیهقی با تکیه بر الگوی کنشگرهای گریماس

## محل انتشار:

ششمین همایش پژوهشهای ادبی (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

جهانگیر صفری - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

امیر فتحی - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

## خلاصه مقاله:

گریماس و دیگر معنا شناسان مکتب پاریس بر این باورند که واقعیت، همواره گریزنده است و عوامل بیرونی دخیل در پدید آمدن روایت و ریشه های واقعی آن همواره مبهم اند. بر این اساس، روایت گونه ای شبیه سازی از واقعیت یا شبه واقعیت است. از آنجا که ساختار گرایي در ادبیات، از خود نظام ادبیات به عنوان مرجع بیرونی آثاری که بررسی می کند، استفاده می کند، جایگاه ارزشمندی در مطالعات ادبی دارد. در این مقاله با استفاده از الگوی کنشگرهای گریماس به تحلیل و بررسی دو حکایت از تاریخ بیهقی پرداخته ایم. این حکایات دارای میزان واقع نمایی بالایی هستند و هنرمندی بی مانند بیهقی را در شبیه سازی واقعیت های تاریخی در قالب روایت های باورپذیر نشان می دهند.

## کلمات کلیدی:

تاریخ بیهقی، گریماس، کنشگر، آلتوناش، عمرو بن لیث

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/193613>

